



درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۶ دی ۱۳۹۶

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

مصادف با: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۳۹

موضوع جزئی: الثانی: غسل الیدین - حکم چرک روی پوست، حکم وسواسی و...

جلسه: ۴۶

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله ۵۰۸: «الْوَسْخُ عَلَى الْبَشْرَةِ إِنْ لَمْ يَكُنْ جَرماً مَرْتَباً لَا يَجِبُ إِزَالَتُهُ وَإِنْ كَانَ عِنْدَ الْمَسْحِ بِالْكَيْسِ فِي الْحَمَامِ أَوْ غَيْرِهِ يَجْتَمِعُ وَ يَكُونُ كَثِيراً، مَا دَامَ يَصْدُقُ عَلَيْهِ غَسْلُ الْبَشْرَةِ وَ كَذَا مِثْلُ الْبَيَاضِ الَّذِي يَتَبَيَّنُ عَلَى الْيَدِ مِنَ الْجَصِّ أَوْ النَّوْرَةِ إِذَا كَانَ يَصِلُ الْمَاءُ إِلَى مَا تَحْتَهُ وَ يَصْدُقُ مَعَهُ غَسْلُ الْبَشْرَةِ. نَعَمْ، لَوْ شُكَّ فِي كَوْنِهِ حَاجِباً أَمْ لَا وَ جِبَ إِزَالَتُهُ»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، چرکی که بر روی پوست است اگر جرمی که قابل رؤیت باشد، نداشته باشد، واجب نیست [که در هنگام وضو گرفتن] برطرف شود، هرچند که هنگام کیسه کشیدن در حمام و غیر آن، جمع می شود و زیاد می باشد چون [با عدم برطرف کردن چرک نیز] شستن پوست صدق می کند. همچنین، مثل سفیدی ای که از گچ کاری یا نوره زدن، بر دست آشکار می شود، در صورتی که آب به زیر آن می رسد که در این صورت شستن پوست با وجود آن سفیدی صدق می کند، واجب نیست که برطرف شود. بله، اگر در مانع بودن یا مانع نبودن آن شک شود، واجب است که برطرف شود.

آنچه روی پوست بدن قرار می گیرد چند فرض دارد:

فرض اول، این است که آنچه که روی پوست قرار دارد، جرم ندارد و قابل رؤیت نیست و دیده نمی شود هرچند که انسان از طریق کیسه کشیدن و امثال آن بفهمد که بدنش چرک دارد که در این صورت برطرف کردن آن چرک [قبل از وضو گرفتن] واجب نیست زیرا چنین چرکی جرمی که مانع از رسیدن آب به پوست باشد، محسوب نمی شود، بلکه از اعراض است و مانع از وصول آب به پوست نیست.

فرض دوم، این است که آنچه که روی پوست قرار دارد، قابل رؤیت است و دیده می شود، لکن جرم ندارد [، مثل سفیدی ای که از گچ یا نوره روی پوست دست یا ناخن قرار گرفته است] که برطرف کردن این چرک نیز واجب نیست چون در این صورت نیز شستن پوست صدق می کند.

فرض سوم، این است که آنچه روی پوست قرار دارد، جرم دارد و قابل رؤیت است و دیده می شود، لکن مانع از رسیدن آب به پوست نیست، مثل اینکه شخص لباس نازکی به تن داشته باشد که جرم دارد و قابل رؤیت است، ولی به قدری نازک است که مانع از رسیدن آب به پوست نیست که در این صورت، برطرف کردن و برداشتن چنین لباسی لازم نیست چون فلسفه ازاله و برداشتن آنچه روی پوست است این است که مانعی از رسیدن آب به پوست، نباشد لذا در مثل این فرض که لباس نازک، مانع از رسیدن آب به پوست نیست، ازاله آن لازم نیست.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۶.

فرض چهارم، این است که آنچه روی پوست است، جرم دارد و قابل رؤیت است و مانع از رسیدن آب به پوست است که در این صورت، ازاله آن مانع واجب است.

مرحوم سید (ره) در ذیل مسأله ۵۰۸، نوشته است که اگر در مانع بودن یا مانع نبودن آنچه روی پوست است، شک شود، واجب است که برطرف شود.

دلیل حکم مذکور، تمسک به قاعده اشتغال است [الإشتغال اليقيني يستدعي البرائة اليقينية] زیرا شخص یقین دارد که تکلیفی متوجه او شده است و برای اینکه به فراغ ذمه یقین پیدا کند باید آنچه روی پوست است را برطرف کند و سپس وضو بگیرد تا یقین پیدا کند که آب به پوست رسیده است.

بعضی گفته‌اند که از باب استصحاب بقاء حدث نیز می‌توان به وجوب ازاله مشکوک حکم کرد، به این بیان که شخص یقین دارد که محدث است و شک دارد که اگر با وجود مشکوک المانعیه، وضو بگیرد، حدث مرتفع شده است یا مرتفع نشده است که بقاء حدث سابق استصحاب می‌شود و به عدم ارتفاع حدث حکم می‌شود لذا برای رفع حدث باید، مشکوک را برطرف کند و سپس وضو بگیرد.

مسأله ۵۰۹: «الوساوسى الذى لا يحصل له القطع بالغسل يرجع إلى المتعارف»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، شخص وسواسی که قطع و یقین به شستن برای او حاصل نمی‌شود به متعارف مراجعه می‌کند.

دلیل حکم مذکور، این است که ادله وارد شده در روایات از عمل بر طبق وسواس نهی کرده‌اند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا كَثُرَ عَلَيْكَ السَّهُوُ فَاْمْضِ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَدْعَكَ إِنَّمَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ»^۲.

روایت دوم: عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ؛ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) رَجُلًا مُبْتَلًى بِالْوُضُوءِ وَالصَّلَاةِ وَقُلْتُ: هُوَ رَجُلٌ عَاقِلٌ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ «وَأَيُّ عَقْلٍ لَهُ وَهُوَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ»، فَقُلْتُ لَهُ: وَكَيْفَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ؟ فَقَالَ: «سَلُهُ هَذَا الَّذِي يَأْتِيهِ مِنْ أَى شَيْءٍ هُوَ فَإِنَّهُ يَقُولُ لَكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»^۳.

در روایت مذکور، به این نکته اشاره شده است که انسان وسواسی را نمی‌توان به عنوان انسان عاقل توصیف کرد.

به علاوه اینکه بر شخص وسواسی واجب نیست که یقین به امتثال پیدا کند و اصل استصحاب و قاعده اشتغال در حق شخص وسواسی جاری نمی‌شوند چون استصحاب که می‌گوید «لا ینقض الیقین بالشک» به انسان‌های متعارف مربوط می‌شود و وسواسی را شامل نمی‌شود، همچنین، علت عدم جریان قاعده اشتغال در رابطه با وسواسی، این است که هرچند که عقل به وجوب فراغ ذمه استقلال دارد، لکن این حکم عقل نیز به انسان‌های متعارف مربوط می‌شود و وسواسی را شامل نمی‌شود.

مسأله ۵۱۰: «إِذَا نَفَذْتَ شَوْكَةً فِي الْيَدِ أَوْ غَيْرِهَا مِنْ مَوَاضِعِ الْوُضُوءِ أَوْ الْغُسْلِ لَا يَجِبُ إِخْرَاجُهَا، إِلَّا إِذَا كَانَ مُحَلِّهَا عَلَى فَرْضِ الْإِخْرَاجِ مُحَسَّبًا مِنَ الظَّاهِرِ»^۴.

۱. همان.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، کتاب الصلاة، ابواب الخلل الواقع فی الصلاة، باب ۱۶، ص ۲۲۷، ح ۱.

۳. همان، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب مقدمة العبادات، باب ۱۰، ص ۶۳، ح ۱.

۴. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۶.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر خاری در دست انسان یا غیر دست از مواضع وضو یا غسل فرود رود، واجب نیست که خارج شود مگر اینکه محلی که خار در آن فرو رفته است، بر فرض خارج کردن خار از آن، از ظاهر بدن محسوب شود [یعنی، در صورتی که قمستی از خاری که در بدن فرو رفته است، به خاطر انحنائی که در ته خار ایجاد شده است یا به خاطر اینکه ته خار مثل ته میخ است، مانع از رسیدن آب به ظاهر پوست دست و امثال آن شود، خار باید از بدن خارج شود و سپس وضو گرفته شود].

خاری که در موضع وضو [از دست و غیر دست] فرو رفته باشد، سه گونه است:

اول، خاری که به طور کامل در دست و غیر دست از اعضاء وضو و غسل فرو رفته است که چیزی از آن در خارج باقی نمانده است که در این صورت ظاهر عضو شسته می شود و خارج کردن خار لازم نیست چون چیزی از ظاهر را نبوشانده است و مانع رسیدن آب به پوست نیست.

دوم، خاری که چیزی از ظاهر موضع وضو را بپوشاند که در این صورت خارج کردن خار [در صورتی که حرج نداشته باشد]، قبل از وضو گرفتن، واجب است چون شستن ظاهر عضو وضو و غسل لازم است و چون خار، مانع از رسیدن آب به پوست است باید خارج شود.

سوم، خاری که باعث شده است که بعضی از ظاهر در باطن قرار گرفته است که در این صورت بعضی گفته اند که خارج کردن خار لازم نیست، ولی احتیاط این است که آن خار، خارج گردد و سپس وضو گرفته شود چون همان طور که گفته شد واجب است که ظاهر عضو وضو و غسل، شسته شود و چون ظاهر به وسیله خار در باطن فرو رفته است، باید خار، خارج شود تا ظاهر آشکار شود و به ظاهر بودن خود برگردد و سپس وضو گرفته شود.

«الحمد لله رب العالمین»